



عقل، میزان میزان هاست / مابعدالطبیعه یا ماقبل الطبیعه؟

دینانی در برنامه معرفت گفت: عده ای از حکما مانند سقراط و افلاطون تا ارسطو و ملاصدرا از مابعدالطبیعه سخن گفتند، اما این بعد از طبیعت نیست باید بگوییم ماقبل الطبیعه. اول معنی است، بعد طبیعت.

دینانی در برنامه معرفت گفت: عده ای از حکما مانند سقراط و افلاطون تا ارسطو و ملاصدرا از مابعدالطبیعه سخن گفتند، اما این بعد از طبیعت نیست باید بگوییم ماقبل الطبیعه. اول معنی است، بعد طبیعت.

به گزارش خبرنگار مهر، غلامحسین ابراهیمی دینانی، چهره ماندگار فلسفه و عضو انجمن حکمت و فلسفه ایران در برنامه معرفت که از شبکه چهار سیما پخش می شود اظهار داشت: انسان اگر نفس خودش را دوست دارد، دوستی درست آن است که با آن مخالفت کند. این دوگانگی و دوجنبه بودن انسان را می رساند. انسان یک جنبه طبیعی و نفسانی دارد و یک جنبه معنوی، روحانی و عقلانی. هر کدام اینها اقتضائاتی دارند.

چهره ماندگار فلسفه گفت: انسان عقل دارد، عقل معقولات را می خواهد. بیش از آنکه به شهوات وابسته باشد به معقولات وابسته است. خواسته عقل، معقولات است. طبیعتاً انسانی که با عقل حرکت می کند اقتضا می کند که با خواسته های نامعقول خودش مخالفت کند. کسانی که به این آگاهی رسیده اند و با خواسته های خود نامعقول خود مخالفت کرده اند رستگار بودند و جامعه را به رستگاری رساندند. کسانی که نتوانستند با خواسته های نامعقول خود مخالفت کنند اسیر خواسته های شهوانی شدند و چه خطاهای رنگارنگی که انجام دادند.

عضو انجمن حکمت و فلسفه ایران ادامه داد: انسان در تاریخ خطاهای زیادی مرتکب شده است؛ این خطاها گاهی آگاهانه بوده است و از نفسانیت خودش پیروی کرده و گاهی هم انسان در اثر نادانی کارهای اشتباهی کرده است. منشأ شرارت های تاریخ بشر از حماقت ها بوده است. حماقت از جسارت خطرناکتر است.

چهره ماندگار فلسفه گفت: همه مردم کم و بیش دارای عقل هستند. منتها سلسله مراتب و کم و بالا دارد. همه مردم عقل را دوست دارند. می خواهند مطابق عقل عمل کنند ولی کمی سخت است. برخلاف شهوات عمل کردن کمی سخت است.

او ادامه داد: در دنیای امروز این همه داد و فریاد به راه انداخته اند که یک جهان واقعی و حقیقی برای انسان درست کنند، مدعیان تمدن و پیشرفت این ادعا را دارند که می خواهند زندگی بشر را خوب و زیبا کنند جهان را حقیقی کنند. مادامی که انسان حقیقی نشود جهان هم حقیقی نمی شود.

وی افزود: انسان موجود پیچیده ای است. انسان مانند موجودات دیگر یک موجود طبیعی است. در طبیعت زندگی می کند و آثار طبیعت را هم دارد، اما ضمن اینکه آثار طبیعی دارد عقل هم دارد.

دینانی اظهار داشت: انسان ها متأسفانه طبیعت را می بینند ولی قوانین طبیعت را نمی بینند. ما با حواسمان ظاهر طبیعت را می بینیم، پس حتی اگر طبیعی باشیم و به طبیعت وفادار باشیم به همان اندازه که چشم ظواهر طبیعت را می بیند قوانین طبیعت را هم باید با عقل بشناسیم. اگر قوانین طبیعت را بشناسیم، مشکلات نخواهیم داشت و این مسأله مشکل امروز است بیش از گذشته. در سابق اگر قوانین طبیعت را نمی شناختند چندان سر به سر طبیعت هم نمی گذاشتند. امروز ضمن اینکه ظاهر طبیعت را می بینند با شناختن قوانین طبیعت دارند سر به سر طبیعت می گذارند و اگر بشر برخلاف موازین طبیعت عمل کند و بیش از این سر به سر قوانین طبیعت بگذارد فاجعه ای بزرگ روی می دهد.

وی گفت: در هیچ دوره ای از پیدایش بشر از بدو پیدایش بشر تاکنون هیچ دوره ای سرعت به اندازه امروز نبوده است. امروز شتاب بسیار است. در رفتار، کردار، اندیشیدن، در پیشرفت علوم. حالا آیا این شتاب با این سرعتی که پیش می رود با قوانین طبیعت سازگار نشود چه فاجعه ای روی خواهد داد؟

دینانی ادامه داد: این مطلبی است که حکمای ما کمتر به آن توجه داشته اند. از ارسطو و افلاطون گرفته تا به حال. یک عده فقط به طبیعت می اندیشیدند، علوم هم روی طبیعت کار می کند. کاری به ماورای طبیعت ندارد. عده ای دیگر از حکما مانند سقراط و افلاطون تا ارسطو و ملاصدرا از مابعدالطبیعه سخن گفتند. البته ای کاش این اصطلاح را عوض کنیم.

من با مابعدالطبیعه نمی خواهم مخالفت کنم. اما این بعد از طبیعت نیست باید بگوییم ماقبل الطبیعه. اول معنی است، بعد طبیعت. ما قبل مهمتر از مابعد است. خداوند هم قبل از عالم است هم بعد از عالم. آنهایی که همه چیز را در طبیعت خلاصه می کنند، این را بدانند که این طبیعت قبل داشته است. اگر قبل نداشته و همیشه طبیعت بوده همیشه بودن ازلیت است و اگر طبیعت ازلی باشد یک چیزی اضافه بر طبیعت است. طبیعت زاییده ازلیت است.

چهره ماندگار فلسفه گفت: چند خصلت در مار هست که با نفس انسان نزدیک است، ظاهرش نرم است اما زهرآلود است و زهر مار در درونش است. نفس هم ظاهر آرامی دارد اما در این ظاهر آرام و دوست داشتنی، زهر کشنده و مهلکی دارد.

وی افزود: نفس انسان به مار شباهت دارد. عقل می خواهد آن مار نفس را از درون بیرون بکشد یا زهرش را از آن بگیرد. نفس زهرآلود است و عقل است که زهرش را می گیرد.

این استاد دانشگاه در پایان خاطرنشان کرد: تمام حواس انسان با هم مرتبط هستند. اما این ارتباطات را عقل می شناسد و آنها را با هم میزان می کند، عقل، میزان میزان هاست. اگر عقل میزان را رعایت کرد در امور دنیا میزان رعایت می شود. انسان با میزان عقل درست زندگی می کند. عالم در میزان خودش دارد کار می کند و میزان را رعایت می کند. هر حیوانی، هر نباتی میزانی دارد و از میزان خودش خارج نمی شوند. متأسفانه تنها انسان است که از میزان خودش خارج می شود.